

خلق قرآنی

پیامبر اعظم
ﷺ

در آپدیه روایات

دکتر محمد سلطان رفائی

چکیده

انبیاء و اولیاء الهی در همه زمینه ها راهنمایی لازم را برای هدایت بشر ارائه نموده اند. تا اعضای جامعه اسلامی با بهره‌مندی از آن رهنمودها و به کارگیری آن‌ها در سیر زندگانی خویش از لحاظ فردی و اجتماعی تکامل یافته و متخلق به اخلاق الهی و معنوی شوند. پیامبر اعظم ﷺ به عنوان سرآمد رهبران الهی در سیره اخلاقی و عملی به ارائه اخلاق الهی و معنوی پرداخته‌اند و قرآن کریم ایشان را صاحب خلق عظیم معرفی می‌نماید.

پیامبر اعظم ﷺ اعلا و بالاترین أسوه اخلاق الهی است^(۱) که برای تکمیل بشریت مبعوث شدند^(۲) و بر ماست تا آموزه‌های اخلاقی ایشان را به خوبی آشنایی یافته و آن‌ها را در مقام عمل به کار بندیم و با الهام‌گیری از سیره‌ی والای حضرتش در همه ابعاد؛ زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشیم. در این مقاله سعی نگارنده بر آن

وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ



است تا نمایه‌ای کلی از سیره‌ی عملی و معنوی پیامبر اعظم ﷺ در اخلاق اسلامی را ارائه دهد و با الهام از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی :

اخلاق پیامبر اعظم ﷺ : سیره اخلاقی پیامبر در قرآن و حدیث

مقدمه :

سیره‌ی عملی پیامبر اعظم ﷺ در اخلاق الهی بهترین تابلو والگو برای تاسیس مدینه فاضله و جامعه‌ی نمونه اسلامی است و تمسک به این اسوه حسنه اخلاقی در چهارچوب‌های فکری؛ کرداری و گفتاری برای هر بشری توفیقی در جهت تکامل هرچه بهتر است. بشریت اگر به سیره و رفتار و ایده‌ی پیامبر اعظم ﷺ توجه نکرده و الهام نگیرند نه تنها راه به جایی نخواهند برد بلکه به گمراهی ابدی دچار می‌شوند و ایده‌های غربی و غیر اسلامی تصاویر تجسم می‌یابد و نتیجه‌اش سقوط انسان خواهد بود.

آری با وجود این ظلمات جاهلان دنیایی بر ماست که خورشید وجود رسول اکرم ﷺ را مقتدای اخلاقی خویش قرار داده و به سیره‌ی تابناکش در عرصه‌های گوناگون عمل نماییم. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « بر هر فرد مسلمانی لازم است که به سیره‌ی رسول خدا عمل کند. »^(۲) کسانی که بی اعتنا از کنار اقیانوس معارف اخلاقی پیامبر اعظم ﷺ گذشته‌اند و آن را طلیعه‌ی زندگانی خویش در رفتار و گفتار قرار داده‌اند به جایی رسیده‌اند و راه سعادت را پیموده‌اند.

اخلاق پیامبر اعظم ﷺ در قرآن

قرآن کریم در تبیین و ترسیم اخلاق الهی پیامبر اعظم ﷺ و ویژگی‌های ذیل را اشاره می‌نماید.

- ۱- غیر قابل نفوذ بودن: قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ﴿ اِنَّكَ لَطَلِي خَلْقٍ عَظِيمٍ ﴾^(۴): «البته تو ای پیامبر بر اخلاق محکم و استوار و غیر قابل نفوذ آراسته‌ای.»

لغت « عظیم » از ریشه « عظم » به معنای استخوان و استخوان بندی است که اصطلاحاً کیبر و بزرگ معنا می‌شود و در عرف هم چنان معروف شده . ولی حقیقت آن است که هر کیبری عظیم نیست بلکه عظیم آن است که از محتوا و درون محکم و غیر قابل نفوذی برخوردار باشد نه جثه حجیم و بزرگ . سخن قرآن این است که: ای پیغمبر ما تو را دارای چنان خلق و خوی محکم و مستحکمی کرده‌ایم که گویی بنا و بنیان مرصوصی است که قابل نفوذ و دستبرد هوا و هوس های غیر اخلاقی و عدوانی نخواهد بود. (۵)

۲- غیر قابل احصاء بودن : مردی از حضرت علی علیه السلام درخواست کرد که اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای او شرح دهد و خصائص آن را بیان فرماید حضرت فرمود: هرگاه تو نعمت های دنیار اتوانستی شماره کنی من نیز اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله را شماره می‌کنم : مرد عرضه داشت : چگونه می‌توان نعمت های دنیا را برشمرد ، در حالی که قرآن شمارش آن ها را خارج از قدرت بشر دانسته و فرموده : « وَان تَعْمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا » (۶) حضرت فرمود: همین نعمت های دنیا که شمارش آن ها از عهده بشر خارج است از نظر قرآن اندک و ناچیزند چنانچه فرمود : « قَلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ » بگو نعمت های دنیا بسیار ناچیزند ولی اخلاق پیامبر را بزرگ و عظیم یاد نموده و فرموده : « أَنْتَ لَعَلِي حَقٌّ عَظِيمٌ » حال که تو بر شمارش قلیل و ناچیز قادر نیستی و عاجزی من چگونه بر شمارش عظیم قادر باشم (۷).

۳- رعایت ادب و انصاف : رسول خدا صلی الله علیه و آله با استناد به آیه شریفه « قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ! قُلْ... وَأَنَا أَوَايَاكُمْ لَعَلِّي هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ » (۸) ای پیغمبر ما به مشرکین بگو: کیست آن که نعمت های آسمان و زمین را بر شما ارزانی داشته و روزیتان نموده ؟ و چون آن ها از شرم جواب نخواهند داد خود بگو: آن خداست و انصاف دهید که کدامیک از ما و شما (گروه مؤحد و مشرک) بر سبیل هدایت و نجات و یا شقاوت و ضلالت هستیم ؟

در مقام بیان احتجاج بر مشرکان در اثبات رزاقیت علی الاطلاق خداوند برآمد و با رعایت ادب و انصاف استدلال غلط آنها را بر این که بتها را واسطه فیض و سبب



توسعه رزق و مایه سعادت خود می دانستند رد کرد.

ادب رسول الله ﷺ در این احتجاج از آن جا حاکی می شود. که هدایت و حقانیت مَوْحَد ان و ضلالت و گمراهی مشرکان بر کسی پوشیده نیست. چه رسد به مقام والا و شامخ ایشان. لکن آن جناب به کنایه و به نحو کلی این مطلب را القاء می نماید بدون این که مورد اعتراض شخص یا گروهی قرارگیرد و این خود نوعی سازندگی اخلاقی موثر در جامعه اسلامی و با پوشش معنوی ادب و انصاف است.^(۹)

۴ - رأفت و رحمت و دلسوزی پیامبر اعظم ﷺ با توجه به آیه شریفه ﴿لقد جاءكم رسول من انفسكم عزیز علیہ ماعتنم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم﴾^(۱۰)

« به تحقیق پیغمبری از میان خود شما برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع دوستی فقر و پریشانی و جهل و گمراهی شما بر وی سخت و گران می آمد و برای نجات و آسایش شما بسیار حریص و به مومنین رؤوف و مهربان است. »

نکات ذیل قابل درک می باشد:

- ۱- مقصود از رسول در « رسول من انفسکم » به اتفاق مفسران وجود مقدس پیامبر اعظم حضرت محمد ﷺ است .
 - ۲- علت این که خداوند بر آنان منت نهاد که پیامبر اعظم ﷺ از آن ها ست این بود که آنان همه خصوصیات وی رامی شناختند و به امانت و صداقتش اطلاع کافی داشتند و هیچ نقطه ضعفی در سیره و اخلاق هم از وی سراغ نداشتند لذا شایسته و سزاوار بود که مطیع و منقاد وی شوند.
 - ۳- « عزیزٌ علیه ما عنتم » سخت و گران است بروی هر چه شمارا ضرر روزیان دنیوی و اخروی می رساند و لذا همواره در فکر دفع ضرر و ارشاد و راهنمایی شما می باشد.
 - ۴- « حریصٌ علیکم » بسیار حریص و مشتاق است بر شما که همه ایمان آورده و از ثمرات نجات بخش آن برخوردار باشید و مبادا در اثر تسویل نفس (۱۱) از مرز ایمان پا بیرون نهاده و گرفتار عذاب گردید.
 - ۵- « بالمومنین رؤوفٌ رحیم » : پیامبر اعظم ﷺ نسبت به مطیعان رؤوف و با رأفت است و نسبت به گنهکاران رحیم و مهربان است : یعنی برخوردش با گنهکاران انتقام جویانه و خشمگینانه نیست بلکه برخوردی مصلحت آمیز است.
 - ۶- بعضی از مفسران معتقدند : مقام رؤوف و رحیم (رأفت و مهربانه) را توأمان خداوند فقط به پیامبر اعظم ﷺ مبنی بر خلق عظیم او عنایت فرموده و امت اورا مشمول لطف رأفت و رحمت آن جناب نموده است (۱۲) .
- آری پیامبر اعظم ﷺ نسبت به پرورش روح و جان و ارشاد و هدایت امتش و دفع ضررهای دنیوی به منظور دستیابی به پیشرفت های معنوی دلسوز و رؤوف است و همواره در فکر ایمان و هدایت امت بود تا آن جا که خداوند در مقام دلداری و تسکین خاطر شریفش برآمده و در آیه ی دیگر خطاب به حضرتش فرموده :
- ﴿ فَلَمَّا كَانَ عَلَى آثَارِهِمْ أَنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴾ : ای رسول ما نزدیک است که اگر امت به این قرآن ایمان نیاورند تو جان عزیز خود را از شدت حزن و تأسف هلاک سازی (۱۳) .



نمادی از سیره اخلاق فردی و اجتماعی نبوی در آینه روایات پیامبر اخلاقی نیکو داشت. امام علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: من با اخلاق نیک و شایسته مبعوث شدم ^(۱۴).

خشم و خشنودی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

هرگز دنیاوسختی های آن اورا خشمگین نساخت. هنگام پایمال شدن حقی آن چنان غضبناک می شد که کسی اورانمی شناخت و ازهیچ چیز نمی ترسید تا آن گاه که حق رایاری دهد. به گاه غضب از شدت ناراحتی رخ بر می گردانید و گاه شادی چشمان رامی بست. خنده اش، لبخند بود و هنگام تبسم نمودن دندان هایش چونان تگرگ نمایان می شدند. ^(۱۵)

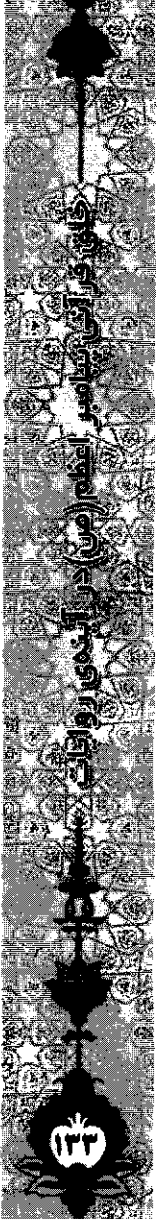
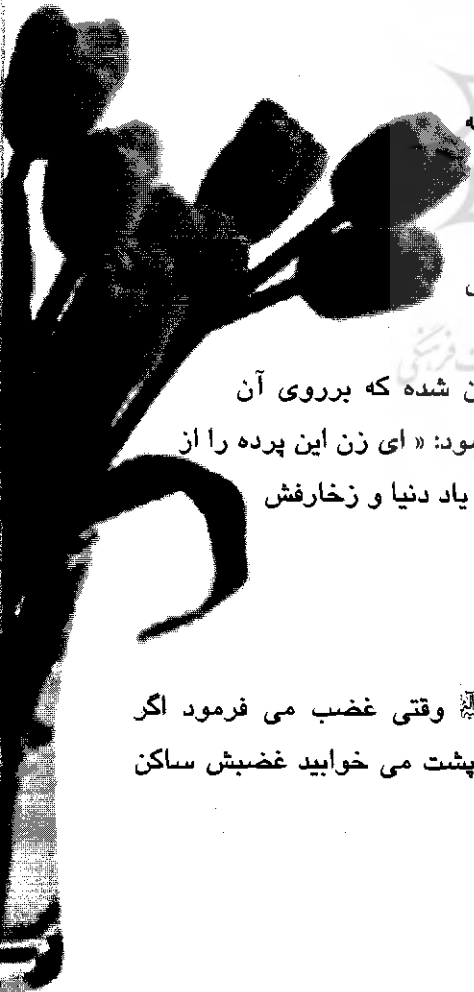
ساده زیستی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

۱- درسیره اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان بر روی زمین غذا می خورد و همانند بندگان می نشست و کفش خودرابادست خویش وصله می کرد و برالاغ سواری شد و شخص دیگری را هم ردیف خود سواری نمود. ^(۱۶)

۲- هنگامی که دید درخانه اش پرده ای آویزان شده که برروی آن تصاویری وجود دارد به یکی از زنان خویش فرمود: «ای زن این پرده را از من پنهان نما چرا که هرگاه به آن نگاه می کنم به یاد دنیا و زخارفش می افتم.» ^(۱۷)

حسن خلق پیامبر در هنگام غضب:

ازطریق عامه منقول است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وقتی غضب می فرمود اگر ایستاده بود می نشست و اگر نشسته بود به پشت می خوابید غضبش ساکن می شد ^(۱۸).

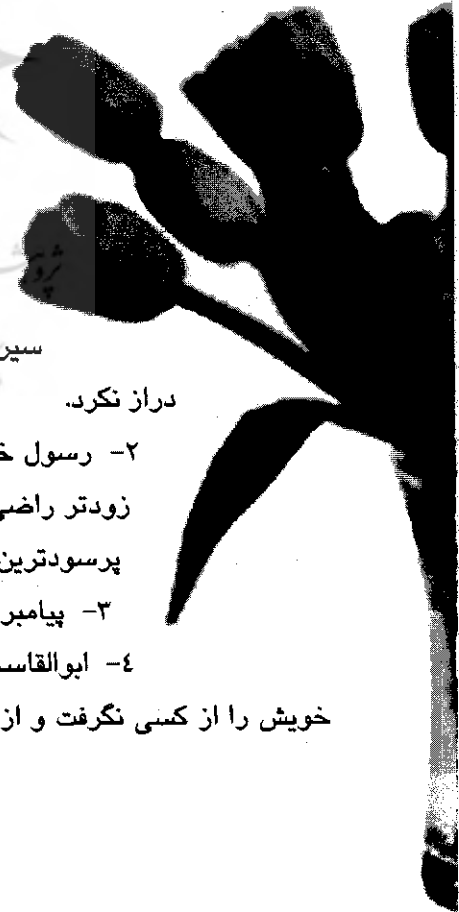


تواضع پیامبر اعظم ﷺ :

- ۱- پیامبر همنشین فقرا بود با آن ها هم سفره و هم غذا می شد و به اهل فضل و دانش احترام می گذاشت . با آبرومندان الفت گرفته و به آن ها نیکویی می کرد . پوزش عذر خواهان را قبول می کرد. (۱۹)
- ۲- کراهت داشت که اصحاب برای احترام او به پاخیزند. وقتی وارد مجلس می شد پایین می نشست . تا آنجا که فرمود : پیامبر غلام ها و کنیزان متعددی داشت ولی هیچگاه درخوراک و پوشاک از آنان بالاتر نبود . (۲۰) از حضرت صادق علیه السلام نیز نقل شده است : پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست داشت برالاغ بی پالان سوار شود و بایندگان خدا طعام میل فرماید . (۲۱)
- ۳- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به بزرگ و کوچک به هرکسی که می رسید ابتدا سلام می کرد . (۲۲)
- ۴- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با ثروتمند و فقیر یکسان دست می داد و دست خود را نمی کشید تا این که طرف مقابل دست خود را بیرون بکشد . (۲۳)

مهربانی پیامبر اعظم ﷺ

- ۱- پیامبر از خود ذلتی نشان نداد اما همواره متواضع بود و بی آنکه اسراف کند بخشنده بود . پیامبر نازک دل بود و نسبت به همه مسلمانان رحیم و مهربان بود . آن حضرت هرگز از شدت سیری آروغ نزد و هرگز دست طمع به سوی چیزی دراز نکرد .
- ۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله دیرتر از همه مردم غضبناک شده و از همه زودتر راضی می گردید . او مهربان ترین و خیر خواه ترین و پرسودترین مردم برای مردم بود. (۲۴)
- ۳- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگام صحبت کردن لبخند می زد. (۲۵)
- ۴- ابوالقاسم کوفی می گوید: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله انتقام خویش را از کسی نگرفت و از کسانی که اذیتش می کردند گذشت می نمود و



عفو می فرمود. (۲۶)

۵- امام صادق علیه السلام فرمودند: « و از رأفت و مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که بایاران خود مزاح می فرمود تا اینکه عظمت و بزرگی اش آنها را نگیرد تا بتوانند به او نگاه کرده و نیازهای خود را باز گو نمایند. (۲۷) »

عفت کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خوردن و نوشیدن از غلامان و کنیزان خود بالاتر نبود و هرگز به کسی فحش و ناسزا نداد و هیچگاه زن یا خدمتکاری را لعنت نکرد هرگاه در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را سرزنش می کردند می فرمود: به او کاری نداشته باشید.

آن حضرت هرگز خشن و بداخلاق نبود در بازار صدایش را بلند نمی کرد در برابر بدی دیگران بدی نمی کرد بلکه گناه آن هارا نادیده می گرفت (۲۸).

اخلاق خانوادگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

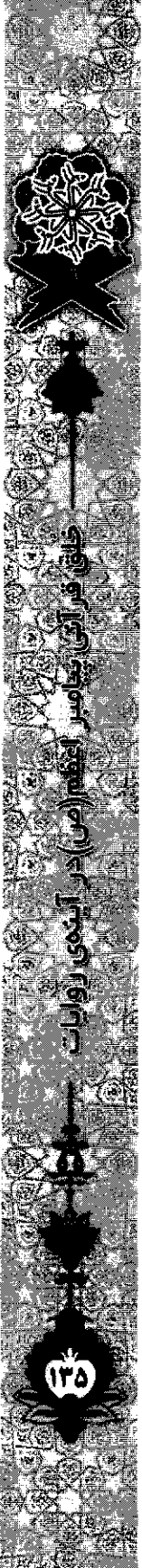
۱- عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله که به خصوصیات اخلاقی آن حضرت آگاه بود جزئیات اخلاقی و رفتاری پیامبر را در یک جمله خلاصه کرد: که در روایت آمده است:

قال سعد بن هشام: دخلت علی عایشه فساء لهما عن اخلاق رسول صلی الله علیه و آله فقالت: اما تقرأ القرآن؟ قلت: بلی قالت: خلق رسول صلی الله علیه و آله القرآن:

مرحوم فیض کاشانی از سعد بن هشام روایت کرده که گفت: به دیدار «عایشه» رفتم و از اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم. او گفت: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: چرا. گفت: اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآنی است. (۲۹)

۲- در اخلاق پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همین بس که با آن جلالت و موقعیتی که به سلاطین نامه دعوت می نوشت در خانه تا حد امکان کارش را شخصا انجام می داد (۳۰).

۳- اهل سیره نوشته اند: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خانه خویش خدمتکار اهل خود بود گوشت راتکه تکه می کرد و بر سفره غذای حقیرانه می نشست و بز خود را



می دوشید و لباس خود را وصله می نمود و برشتر خود عقاب می زد. باخدمتکار منزل آرد را آسیاب می کرد و خمیر می ساخت (۳۱).

۴- ابن شهر آشوب روایت کرده: رسول خدا ﷺ کفش خود را وصله می زد؛ پوشاک خویش را می دوخت در منزل را شخصا باز می کرد، گوسفندان و شترها را می دوشید ، و به هنگام خسته شدن خادمش در دستاس کردن به کمک او می شتافت و آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد و در همه کارها به اهل خانه کمک می کرد. (۳۲) ..

۵- پیامبر اعظم ﷺ لوازم خانه و زندگانی خویش را به پشت خود از بازار به خانه می برد. گاه اتفاق می افتاد که حضرت خانه خویش را نظافت می کرد و جارو می کشید و خود مکرر می فرمود: « کمک به همسر و کارهای منزل صدقه و احسان در راه خدا محسوب می شود». (۳۳)

۶- پیامبر اعظم ﷺ با همه عظمت و موقعیت ممتازش در منزل کاری کرد و به نگهداری و پرستاری از کودکان می پرداخت. (۳۴)

۷- علی ﷺ بیش از سی سال عمر خود را با رسول خدا ﷺ سپری کرده و آشناترین فرد به رسول خدا بوده و از اخلاق داخلی و خارجی حضرتش اطلاع دقیق داشته است .

۸- امام حسین ﷺ می فرمایند: «سالت ابي عن مدخل رسول ﷺ فقال: كان دخوله في نفسه مأذوناً في ذلك فاذا أوى الى منزله جزاء دخوله ثلاثة اجزاء جزء الله وجزء لاهله وجزء لنفسه . ثم جزء جُزئته بينه وبين الناس فیرد ذلك بالخاصة على العامة ولما يذخر عنهم عنه شيئاً ...»

از پدرم در مورد امور رسول خدا ﷺ در داخل خانه سوال کردم فرمودند: وقتی به خانه اش می رفت اوقاتش راسه قسمت می کرد: یک قسمت برای خدا و یک قسمت برای خانواده اش و یک قسمت برای خود . آن گاه قسمت خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می کرد و آن را برای بستگان و بزرگان صحابه (که در منزلش به خدمت او می رسیدند) قرار می داد و ذره ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی نمود (بلکه آن چه امکان داشت در حقشان انجام می داد) (۳۵)

پی نوشت ها :

- ۱) لقد كان لكم في رسول الله... أسوة حسنة :
- ۱۸) همان صص ۶۸-۶۹ .
- سوره احزاب . آیه ۲۲ . / همچنین بنگرید به ک
- ۱۹) مرآة العقول . ج ۱۰ . ص ۱۲۶ . باب الغضب
- نهج البلاغه خطبه ۱۶ و ربيع الابرار ص ۲۸۳
- ۲۰) سنن النبی علامه طباطبایی . ترجمه : عباس
- ۲) قال النبی ﷺ : « اِنَّمَا بَعِثْتُ لِيَا تَمَّ مَكَارِمِ
- عزیزی ص ۷۵ .
- الاخلاق : همانا مبعوث شد تم برای تکمیل اخلاق
- ۲۱) همان
- است . »
- ۲۲) مکارم الاخلاق . ص ۱۲ . فصل دوم .
- ۳) سنن النبی علامه طباطبایی . ص ۳۰ .
- ۲۳) سنن النبی . ص ۷۹ . المستدرک . ج ۸ . ص
- ۴) سوره قلم / آیه ۴ .
- ۲۴) سنن النبی ص ۷۹ .
- ۵) تفسیر مجمع البیان . ذیل آیه : مجله مکتب
- ۲۵) احیاء علوم الدین ابو حامد غزالی ج ۲ . ص ۳۶۹ .
- انقلاب ش ۱۲ ص ۱۹ .
- ۶) سوره ابراهیم / آیه ۲۴ .
- ۷) پند تاریخ ج ۲ ص ۱۹۱ .
- ۸) سوره سباء / آیه ۲۴ .
- ۹) تفسیر المیزان ج ۱۶ صص ۳۷۰-۳۷۴ .
- ۱۰) سوره توبه / آیه ۱۲۸
- ۱۱) تسویل نفس به معنای آراستن و زیبا جلوه
- دادن زشتی ها توسط شیطان و نفس در نظر انسان .
- ۱۲) تفسیر مجمع البیان ج ۱۰ ص ۸۴
- ۱۳) سوره کهف / آیه ۶ .
- ۱۴) امالی شیخ طوسی / ج ۲ . ص ۲۰۹ . الفقه
- المنسوب
- ۱۵) للامام الرضا ؑ ص ۳۵۳ .
- ۱۶) سنن النبی علامه طباطبایی . ترجمه :
- عباس عزیزی . ص ۲۶ .
- ۱۷) همان . ص ۶۷
- ۲۶) مکارم الاخلاق ص ۲۱ .
- ۲۷) المستدرک . ج ۹ . ص ۷ . احیاء علوم الدین . ج
- ۲ . ص ۲۶۵ .
- ۲۸) سنن النبی . ص ۱۰۰ . (باندکی تلخیص)
- ۲۹) همان . ص ۱۱۷ .
- ۳۰) محجه البیضاء . ج ۴ . ص ۱۲۰ .
- ۳۱) مجمع الزوائد . ج ۴ . ص ۳۰۳ .
- ۳۲) کحل البصر . ص ۱۰۲ .
- ۳۳) مناقب آل الی طالب ج ۱ . ص ۱۴۶ .
- ۳۴) المبعوثات الاسلامیه . ص ۱۹۲ .
- ۳۵) بحار الانوار ج ۱۶ . ص ۲۲۷ .
- ۳۶) سیمای پیامبر اسلام ترجمه « مختصر الشمائل
- المحمدیه » حاج شیخ عباس قمی ص ۵۳ .

